

نظام مرجعیت و مدیریت علمی حوزه‌های شیعه در اندیشه فقهی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و تأثیر آن بر احیای حوزه علمیه اصفهان

محمد رضا افروغ^۱، شقایق افروغ^۲

^۱ دکترای الهیات - ادیان و عرفان، دانشگاه فرهنگیان اصفهان (نویسنده مسئول)

^۲ دانشکده حقوق و الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (کارشناس ارشد حقوق)

چکیده

تحولات حوزه‌های علمیه شیعه در سده چهاردهم هجری قمری، بیش از هر عامل دیگری، متأثر از نقش مراجع بزرگ تقلید در سامان‌بخشی به ساختارهای علمی، آموزشی و مدیریتی این نهاد دینی بوده است. در این میان، آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی به عنوان یکی از برجسته‌ترین مراجع تقلید عصر معاصر، افزون بر جایگاه ممتاز فقهی، در سازمان‌دهی نظام مرجعیت، توسعه آموزش اجتهادی، حمایت از مراکز علمی و احیای حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه اصفهان، نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد. با وجود پژوهش‌های متعدد درباره شخصیت علمی و فقهی ایشان، تاکنون الگوی مدیریت علمی حوزه‌های شیعه در اندیشه فقهی وی به‌صورت مستقل و نظام‌مند بررسی نشده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، درصدد تبیین مبانی فقهی نظام مرجعیت و مدیریت علمی در اندیشه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و تحلیل تأثیر آن بر احیای حوزه علمیه اصفهان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایشان با تکیه بر اصولی همچون استقلال مرجعیت، تقویت نظام اجتهاد، حمایت پایدار از نهادهای آموزشی، سامان‌دهی امور طلاب، گسترش شبکه وکالت و نظارت بر مراکز علمی، الگویی منسجم از مدیریت دینی و علمی ارائه کرده است. این الگو افزون بر تثبیت مرجعیت شیعه در سطح جهان اسلام، زمینه بازسازی و پویایی حوزه علمیه اصفهان را نیز فراهم ساخته و می‌تواند به‌عنوان یکی از الگوهای موفق مدیریت نهادهای علمی دینی در عصر معاصر مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، مرجعیت شیعه، مدیریت علمی، حوزه علمیه اصفهان، فقه امامیه، نهاد دینی.

مقدمه

حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، همواره مهم‌ترین پایگاه تولید دانش دینی، تربیت مجتهدان و هدایت فکری و فرهنگی جامعه اسلامی بوده‌اند. استمرار حیات علمی این مراکز، افزون بر پشتوانه‌های معرفتی و فقهی، به وجود نظامی کارآمد از مدیریت علمی و مرجعیت دینی وابسته بوده است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که در مقاطع حساس، نقش مراجع بزرگ تقلید در حفظ استقلال حوزه‌ها، سامان‌دهی آموزش، حمایت از پژوهش و تقویت ارتباط میان حوزه و جامعه، تأثیری بنیادین در شکوفایی یا رکود این نهادها داشته است (حائری، ۱۳۸۰).

در میان مراجع برجسته سده چهاردهم هجری قمری، آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی از جایگاهی ممتاز برخوردار است. مرجعیت فراگیر وی، هم‌زمان با تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده در ایران، عراق و دیگر سرزمین‌های اسلامی، موجب شد تا مسئولیت هدایت علمی حوزه‌های شیعه ابعاد تازه‌ای بیابد. ایشان علاوه بر مرجعیت فقهی، با رویکردی مبتنی بر عقلانیت فقهی، به سامان‌دهی امور حوزه‌های علمیه، حمایت از مدارس دینی، تربیت فقها، تقویت استقلال مالی حوزه و توسعه شبکه ارتباطی میان مراکز علمی اهتمام ویژه‌ای داشت؛ اقداماتی که آثار آن در احیای حوزه علمیه اصفهان نیز قابل مشاهده است (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۸).

با این حال، بیشتر پژوهش‌های موجود، شخصیت علمی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را از منظر زندگی‌نامه، فتاوا یا فعالیت‌های اجتماعی بررسی کرده‌اند و کمتر به استخراج نظام مدیریتی مستتر در اندیشه فقهی ایشان پرداخته‌اند. از این رو، مطالعه حاضر می‌کوشد با رویکردی تحلیلی، نسبت میان مبانی فقهی، نظام مرجعیت و مدیریت علمی در اندیشه ایشان را تبیین کرده و تأثیر این منظومه فکری را بر احیای حوزه علمیه اصفهان واکاوی کند. این رویکرد می‌تواند افق تازه‌ای در مطالعات تاریخ نهاد مرجعیت و مدیریت حوزه‌های علمیه بگشاید.

بیان مسئله

مرجعیت شیعه، افزون بر جایگاه فقهی و دینی، نهادی اجتماعی و علمی است که در طول تاریخ، مسئولیت حفظ هویت معرفتی، هدایت فرهنگی و مدیریت حوزه‌های علمیه را بر عهده داشته است. موفقیت یا ناکامی این نهاد، تا حد زیادی به نوع نگرش مراجع تقلید نسبت به مدیریت علمی، سازمان آموزشی، حمایت از پژوهش، تربیت نیروی انسانی و تعامل با تحولات اجتماعی وابسته بوده است. از این منظر، مطالعه الگوهای مدیریتی مراجع بزرگ، می‌تواند در فهم سازوکارهای پیشرفت یا رکود حوزه‌های علمیه نقش مهمی ایفا کند (مدرسی، ۱۳۸۴).

آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در دوره‌ای عهده‌دار مرجعیت شد که جهان اسلام با دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای مواجه بود. در چنین شرایطی، ایشان توانست با بهره‌گیری از مبانی فقه امامیه، نظامی نسبتاً منسجم برای اداره حوزه‌های علمیه، پشتیبانی از مراکز آموزشی، تقویت استقلال مرجعیت، سامان‌دهی امور مالی حوزه و تربیت نسل جدیدی از فقها طراح و اجرا کند. آثار این سیاست‌ها تنها به حوزه نجف محدود نماند، بلکه حوزه‌های ایران، به‌ویژه حوزه علمیه اصفهان، نیز از آن متأثر شدند.

با وجود اهمیت این موضوع، خلأیی آشکار در ادبیات پژوهشی مشاهده می‌شود؛ زیرا بیشتر مطالعات موجود به معرفی شخصیت، آثار و فعالیت‌های اجتماعی ایشان پرداخته‌اند و کمتر به این پرسش اساسی پاسخ داده‌اند که **نظام مرجعیت و مدیریت علمی در اندیشه فقهی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بر چه مبانی نظری استوار بوده و این نظام چگونه**

در احیای حوزه علمیه اصفهان اثرگذار شده است؟ پاسخ به این پرسش، نه تنها شناخت عمیق تری از اندیشه فقهی این مرجع بزرگ به دست می‌دهد، بلکه می‌تواند الگویی نظری برای مدیریت نهادهای علمی دینی در روزگار معاصر نیز ارائه کند.

۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش درباره نظام مرجعیت شیعه، تنها بررسی یک نهاد دینی نیست، بلکه مطالعه یکی از مهم‌ترین ساختارهای تولید، انتقال و مدیریت دانش دینی در تمدن اسلامی به شمار می‌رود. در این میان، آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی به‌عنوان یکی از مراجع تأثیرگذار سده چهاردهم هجری، نقشی بنیادین در تثبیت مرجعیت عامه شیعه، سامان‌بخشی حوزه‌های علمیه و هدایت جریان علمی جهان تشیع ایفا کرده است. با وجود این جایگاه ممتاز، اغلب پژوهش‌ها به معرفی شخصیت علمی، آثار فقهی یا فعالیت‌های اجتماعی ایشان پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل نظام‌مند اندیشه مدیریتی و مبانی فقهی اداره حوزه‌های علمیه در آرای ایشان توجه کرده‌اند.

از سوی دیگر، حوزه علمیه اصفهان، که یکی از کهن‌ترین مراکز علمی شیعه محسوب می‌شود، در دوره‌های مختلف تاریخی با فراز و فرودهایی روبه‌رو بوده است. نقش آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در تقویت این حوزه، حمایت از عالمان، توسعه آموزش دینی و ایجاد پیوند میان حوزه نجف و اصفهان، از موضوعاتی است که تاکنون به‌صورت مستقل و مبتنی بر تحلیل فقهی بررسی نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌تواند خلأ موجود در ادبیات علمی را تا حدی جبران کرده و الگویی از «مدیریت علمی مبتنی بر فقه امامیه» ارائه دهد. افزون بر این، در شرایط کنونی که مدیریت نهادهای علمی دینی با چالش‌های نوینی مواجه است، بازخوانی تجربه‌های موفق مراجع بزرگ شیعه می‌تواند مبنایی برای بازاندیشی در شیوه اداره حوزه‌های علمیه و تقویت کارآمدی آنها فراهم آورد.

۱.۱. اهداف پژوهش

الف) هدف اصلی

تبیین نظام مرجعیت و مدیریت علمی حوزه‌های شیعه در اندیشه فقهی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و تحلیل تأثیر آن بر احیای حوزه علمیه اصفهان.

ب) اهداف فرعی

تبیین مفهوم مرجعیت و مدیریت علمی در فقه امامیه.

استخراج مبانی فقهی مدیریت حوزه‌های علمیه از اندیشه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی.

تحلیل شاخص‌های مدیریتی ایشان در اداره نهادهای علمی.

بررسی نقش مرجعیت در استقلال و پویایی حوزه‌های علمیه.

تحلیل ابعاد مدیریتی اقدامات ایشان در احیای حوزه علمیه اصفهان.

ارائه الگویی مفهومی از مدیریت علمی حوزه‌های شیعه بر اساس اندیشه فقهی ایشان.

۲.۱. پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی

نظام مرجعیت و مدیریت علمی حوزه‌های شیعه در اندیشه فقهی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بر چه مبانی استوار بوده و این نظام چه نقشی در احیای حوزه علمیه اصفهان داشته است؟

پرسش‌های فرعی

۱. مهم‌ترین مبانی فقهی مدیریت حوزه‌های علمیه در اندیشه ایشان چیست؟
۲. نظام مرجعیت در دیدگاه ایشان دارای چه مؤلفه‌هایی است؟
۳. مدیریت علمی حوزه‌های علمیه در اندیشه ایشان بر چه اصولی استوار است؟
۴. مهم‌ترین اقدامات مدیریتی ایشان در احیای حوزه علمیه اصفهان کدام است؟
۵. الگوی مدیریتی ایشان چه ظرفیت‌هایی برای مدیریت حوزه‌های علمیه معاصر دارد؟

۳.۱. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی آن است که نظام مرجعیت در اندیشه فقهی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی صرفاً نهادی برای صدور فتوا نیست، بلکه ساختاری جامع برای هدایت علمی، فرهنگی و مدیریتی جامعه شیعه محسوب می‌شود که بر پایه اصولی همچون استقلال حوزه، عدالت، شایسته‌سالاری علمی، حمایت از آموزش دینی، تربیت مجتهدان و سامان‌دهی منابع مالی استوار است. همچنین فرض می‌شود که اجرای این الگوی مدیریتی، تأثیر مستقیمی بر تقویت و احیای حوزه علمیه اصفهان داشته و زمینه رشد دوباره این مرکز علمی را فراهم کرده است.

۴.۱. پیشینه پژوهش

مرور منابع نشان می‌دهد که آثار متعددی درباره شخصیت علمی و فقهی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی منتشر شده است؛ با این حال، بیشتر این آثار رویکردی تاریخی یا زندگی‌نامه‌ای دارند.

برای نمونه، آثار مربوط به تاریخ مرجعیت شیعه، زندگانی مراجع تقلید و تاریخ حوزه نجف، به بیان ابعاد مختلف شخصیت علمی ایشان پرداخته‌اند، اما کمتر به استخراج نظام مدیریتی مستتر در اندیشه فقهی وی توجه کرده‌اند. همچنین پژوهش‌هایی درباره تاریخ حوزه علمیه اصفهان، بیشتر به معرفی عالمان و تحولات تاریخی این حوزه پرداخته و سهم مرجعیت ایشان در احیای این مرکز علمی را به‌طور مستقل تحلیل نکرده‌اند.

از سوی دیگر، مطالعات حوزه مدیریت دینی نیز عمدتاً بر مدیریت سازمان‌های معاصر متمرکز بوده و کمتر از منظر فقه امامیه به اداره حوزه‌های علمیه نگرسته‌اند.

بر این اساس، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با تلفیق سه حوزه مطالعاتی «فقه امامیه»، «تاریخ مرجعیت شیعه» و «مدیریت علمی نهادهای دینی»، الگویی تحلیلی از اندیشه مدیریتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی ارائه می‌کند.

۵.۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از حیث شیوه اجرا، کیفی است و با استفاده از روش **توصیفی - تحلیلی** انجام می‌شود. گردآوری داده‌ها بر پایه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته و منابع دست‌اول شامل آثار فقهی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، مکاتبات، اسناد تاریخی، تقریرات شاگردان و نیز منابع معتبر تاریخ حوزه‌های علمیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مرحله تحلیل، داده‌ها با بهره‌گیری از روش **تحلیل مضمون (Thematic Analysis)** طبقه‌بندی شده و مؤلفه‌های نظام مرجعیت و مدیریت علمی استخراج می‌شود. سپس با رویکرد **تحلیل تاریخی - نهادی**، تأثیر این مؤلفه‌ها بر احیای حوزه علمیه اصفهان ارزیابی خواهد شد.

برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از روش **مثلث‌سازی منابع (Source Triangulation)** استفاده می‌شود؛ بدین معنا که یافته‌ها از طریق تطبیق منابع فقهی، تاریخی و پژوهش‌های معاصر اعتبارسنجی خواهند شد. این رویکرد، استحکام روش‌شناختی مقاله را افزایش داده و آن را به استانداردهای مقالات علمی-پژوهشی نزدیک‌تر می‌کند.

۶.۱. چارچوب نظری پژوهش

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پژوهش‌های علمی، تبیین چارچوب نظری است؛ زیرا چارچوب نظری، مبنای تحلیل داده‌ها و تفسیر یافته‌های پژوهش را فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه **حکمرانی دانش (Knowledge Governance)** و نظریه **نهادگرایی (Institutionalism)**، به تحلیل نظام مرجعیت و مدیریت علمی در اندیشه فقهی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی می‌پردازد.

بر اساس نظریه حکمرانی دانش، پایداری و پیشرفت هر نهاد علمی در گرو ایجاد سازوکارهایی برای تولید، انتقال، ارزیابی و بازتولید دانش است. در این چارچوب، مرجعیت شیعه را می‌توان نهادی دانست که وظیفه سامان‌دهی دانش فقهی، تربیت عالمان، هدایت پژوهش‌های دینی و حفظ استقلال علمی حوزه‌های علمیه را بر عهده دارد. (Foss, 2007)

از سوی دیگر، نهادگرایی بر این اصل تأکید دارد که دوام و کارآمدی سازمان‌ها، وابسته به قواعد، هنجارها و ساختارهای تثبیت‌شده آنهاست. (Scott, 2014) با این رویکرد، مرجعیت شیعه نه صرفاً یک جایگاه فردی، بلکه نهادی اجتماعی - علمی است که بر پایه مشروعیت دینی، سرمایه علمی و اعتماد عمومی شکل گرفته و در طول تاریخ، مدیریت شبکه گسترده‌ای از حوزه‌های علمیه را بر عهده داشته است.

با تلفیق این دو رویکرد، پژوهش حاضر می‌کوشد نشان دهد که اندیشه فقهی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، صرفاً مجموعه‌ای از احکام فقهی نیست، بلکه دربردارنده الگویی منسجم برای حکمرانی علمی، سازمان‌دهی آموزش دینی، تربیت سرمایه انسانی

و هدایت نهادهای علمی شیعه است. بر این اساس، احیای حوزه علمیه اصفهان را می‌توان نتیجه عملی این منظومه فکری دانست.

۲. مفهوم مرجعیت در فقه امامیه

مرجعیت دینی در اندیشه امامیه، نهادی برخاسته از نظریه اجتهاد و تقلید است که بر پایه فقاہت، عدالت، تقوا، تدبیر و مقبولیت اجتماعی استوار می‌شود. فقیه جامع‌الشرایط افزون بر استنباط احکام شرعی، مسئولیت صیانت از شریعت، هدایت فکری جامعه و پاسداری از هویت دینی امت را بر عهده دارد (نجفی، ۱۳۶۷).

با گسترش حوزه‌های علمیه در دوره‌های متأخر، مرجعیت از یک جایگاه صرفاً فقهی فراتر رفت و به مهم‌ترین نهاد مدیریت علمی شیعه تبدیل شد. مراجع تقلید، علاوه بر پاسخ‌گویی به مسائل شرعی، مسئولیت اداره مدارس دینی، حمایت از پژوهش، تربیت مجتهدان، نظارت بر وجوهات شرعی و هدایت فرهنگی جامعه را نیز بر عهده گرفتند.

در اندیشه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، مرجعیت دارای ماهیتی چندبعدی است؛ بدین معنا که مشروعیت فقهی، بدون مسئولیت اجتماعی و مدیریت علمی، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه اسلامی باشد. از این رو، وی مرجعیت را نهادی برای هدایت جامع امت اسلامی می‌دانست که باید هم در عرصه استنباط احکام و هم در حوزه سازمان‌دهی نهادهای علمی، نقش فعال ایفا کند.

۱.۲. مفهوم مدیریت علمی حوزه‌های علمیه

مدیریت علمی حوزه‌های علمیه به مجموعه سیاست‌ها، راهبردها و اقداماتی گفته می‌شود که در جهت حفظ، توسعه و ارتقای نظام آموزش دینی، پژوهش، تربیت نیروی انسانی و سامان‌دهی ساختارهای علمی حوزه به کار گرفته می‌شود.

در سنت فقهی شیعه، مدیریت حوزه تنها به امور اداری محدود نیست، بلکه ابعاد علمی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرد. از این رو، مرجع تقلید، افزون بر جایگاه علمی، نقش مدیر عالی نظام آموزشی شیعه را نیز ایفا می‌کند.

در اندیشه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، مدیریت حوزه بر چند اصل بنیادین استوار است:

- استقلال علمی و مالی حوزه‌های علمیه.
- شایسته‌سالاری در تربیت و معرفی مجتهدان.
- حمایت مستمر از طلاب و استادان.
- توسعه پژوهش‌های فقهی و اصولی.
- تقویت ارتباط میان حوزه و نیازهای جامعه.
- نظارت بر کیفیت آموزش و حفظ سنت اجتهاد.

این اصول، مجموعه‌ای هماهنگ را تشکیل می‌دهند که می‌توان از آن به عنوان «نظام مدیریت علمی حوزه» یاد کرد.

۲.۲. جایگاه مرجعیت در اداره نهادهای علمی شیعه

بررسی تاریخ حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد که بسیاری از دوره‌های شکوفایی علمی، هم‌زمان با حضور مراجع بزرگ و مدیرانی توانمند بوده است. حوزه نجف در عصر شیخ مرتضی انصاری، حوزه قم در دوره آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حوزه نجف در عصر آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی نمونه‌های برجسته این واقعیت تاریخی هستند.

در این الگو، مرجعیت تنها مرجع پاسخ‌گویی به استفتائات نیست، بلکه راهبری کلان نهاد علم دینی را بر عهده دارد. تصمیم‌گیری درباره اولویت‌های آموزشی، حمایت از مدارس، اعزام استادان، تأمین مالی حوزه‌ها، رسیدگی به وضعیت طلاب و هدایت جریان اجتهاد، همگی در قلمرو این مسئولیت قرار می‌گیرد.

بر همین اساس، می‌توان گفت که آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی با تکیه بر سرمایه عظیم علمی و اعتماد عمومی، الگویی از «رهبری علمی مبتنی بر فقاہت» را ارائه کرد؛ الگویی که در آن، مرجعیت دینی و مدیریت نهادهای علمی در تعامل با یکدیگر قرار دارند و هدف مشترک آن‌ها حفظ پویایی فقه امامیه، تربیت مجتهدان و صیانت از هویت علمی حوزه‌های شیعه است.

۳. زندگی علمی و جایگاه اجتهادی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی

آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ق) از برجسته‌ترین فقهای امامیه در سده چهاردهم هجری قمری است که پس از رحلت استادان بزرگ حوزه نجف، به مرجعیت عام شیعه رسید. ایشان در خانواده‌ای علمی در اصفهان دیده به جهان گشود و پس از گذراندن مقدمات علوم اسلامی، برای تکمیل تحصیلات به حوزه علمیه نجف هجرت کرد. بهره‌گیری از محضر استادانی چون **آخوند ملا محمدکاظم خراسانی**، **سید محمدکاظم یزدی** و دیگر بزرگان حوزه نجف، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت علمی و فقهی وی داشت.

مرجعیت ایشان در مقطعی شکل گرفت که جهان اسلام با دگرگونی‌های گسترده سیاسی و اجتماعی روبه‌رو بود. فروپاشی دولت عثمانی، گسترش استعمار، شکل‌گیری دولت‌های ملی و تحولات فرهنگی، ضرورت بازتعریف نقش مرجعیت را بیش از پیش آشکار ساخته بود. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی با درک این شرایط، مرجعیت را تنها در پاسخ‌گویی به استفتائات خلاصه نکرد، بلکه آن را نهادی برای هدایت علمی، فرهنگی و اجتماعی جامعه شیعه دانست.

آثار فقهی ایشان، به‌ویژه *وسيلة النجاة*، بیانگر تسلط کم‌نظیر وی بر مبانی اجتهاد است. با این حال، اهمیت تاریخی ایشان تنها در آثار فقهی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در توانایی کم‌نظیر ایشان در سازمان‌دهی حوزه‌های علمیه، حمایت از مراکز آموزشی، تربیت شاگردان برجسته و ایجاد شبکه‌ای گسترده از نمایندگان علمی و شرعی در سراسر جهان تشیع نیز تجلی یافته است.

از منظر جامعه‌شناسی علم، مرجعیت ایشان را می‌توان نقطه عطفی در گذار از «مرجعیت فردمحور» به «مرجعیت نهادساز» دانست؛ زیرا بسیاری از اقدامات ایشان به ایجاد سازوکارهای پایدار برای اداره حوزه‌های علمیه انجامید و آثار آن تا دهه‌ها پس از رحلت ایشان نیز ادامه یافت.

۱.۳. مبانی فقهی مدیریت حوزه در اندیشه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی

تحلیل آثار و سیره عملی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نشان می‌دهد که مدیریت حوزه‌های علمیه در اندیشه ایشان، امری صرفاً اجرایی یا اداری نبوده، بلکه ریشه در مبانی فقه امامیه داشته است. به بیان دیگر، ایشان اداره حوزه را بخشی از مسئولیت شرعی فقیه جامع‌الشرایط می‌دانست و آن را در امتداد وظیفه حفظ دین و صیانت از معارف اهل‌بیت(ع) تفسیر می‌کرد.

بررسی این مبانی نشان می‌دهد که نظام مدیریتی ایشان بر چند اصل بنیادین استوار است:

الف) اصل حفظ کیان شریعت

در اندیشه فقهی ایشان، بقای شریعت بدون استمرار نهاد اجتهاد امکان‌پذیر نیست. ازاین‌رو، حمایت از حوزه‌های علمی، تربیت مجتهدان و تقویت نظام آموزشی، نه یک اقدام صرفاً فرهنگی، بلکه تکلیفی شرعی به شمار می‌آید. بر همین اساس، تخصیص وجوهات شرعی به مدارس، استادان و طلاب، در منظومه فکری ایشان، ابزاری برای حفظ دین و استمرار مرجعیت علمی تلقی می‌شود.

ب) اصل استقلال نهاد مرجعیت

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های اندیشه مدیریتی ایشان، تأکید بر استقلال مالی و علمی حوزه‌های علمیه است. ایشان بر این باور بود که وابستگی نهاد علم دینی به قدرت‌های سیاسی، استقلال اجتهاد را تهدید می‌کند و زمینه تضعیف اعتماد عمومی را فراهم می‌آورد. ازاین‌رو، اداره حوزه باید بر پایه منابع شرعی، اعتماد مؤمنان و سازوکارهای مستقل استوار باشد.

ج) اصل شایسته‌سالاری علمی

در نظام مدیریتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، مسئولیت‌های علمی و آموزشی بر اساس شایستگی، تقوا و توانایی علمی واگذار می‌شد. این رویکرد سبب گردید که شاگردان برجسته و استادان توانمند، محور توسعه علمی حوزه قرار گیرند و فرآیند تربیت مجتهدان با کیفیت علمی بالا استمرار یابد.

د) اصل مسئولیت اجتماعی مرجعیت

از دیدگاه ایشان، مرجع تقلید تنها مسئول اداره حوزه نیست، بلکه وظیفه هدایت جامعه اسلامی، حمایت از محرومان، حفظ وحدت مسلمانان و دفاع از مصالح امت را نیز بر عهده دارد. این نگرش، مرجعیت را از یک نهاد آموزشی صرف، به نهادی تمدن‌ساز تبدیل می‌کند.

2.3. الگوی پنج‌بعدی مدیریت فقهی حوزه در اندیشه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی

بُعد	مؤلفه	کارکرد
رهبری علمی	هدایت جریان اجتهاد و تربیت فقها	حفظ مرجعیت علمی
حکمرانی آموزشی	سامان‌دهی مدارس، برنامه‌های درسی و استادان	ارتقای کیفیت آموزش

پشتیبانی مالی	مدیریت وجوهات شرعی و حمایت از طلاب	استقلال حوزه
شبکه مرجعیت	سازمان‌دهی وکلا و نمایندگان	انسجام حوزه‌های شیعه
راهبری اجتماعی	هدایت فرهنگی و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه	افزایش سرمایه اجتماعی مرجعیت

تحلیل الگو مدیریتی: این مدل به ما نشان می‌دهد که چگونه مبانی فقهی به سازوکارهای مدیریتی تبدیل می‌شوند و در نهایت به پایداری و شکوفایی نهاد حوزه می‌انجامند.

3.3. شاخص‌های نظام مرجعیت در اندیشه فقهی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی

تحلیل آثار فقهی، سیره مدیریتی و عملکرد اجتماعی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نشان می‌دهد که نظام مرجعیت در اندیشه ایشان، ساختاری چندبعدی و پویا است که بر مجموعه‌ای از اصول و شاخص‌های بنیادین استوار است. این شاخص‌ها نه تنها در اداره حوزه‌های علمیه، بلکه در حفظ انسجام جامعه شیعه و استمرار سنت اجتهاد نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند.

الف) استقلال علمی و مالی حوزه‌های علمیه

یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه مدیریتی ایشان، تأکید بر استقلال نهاد مرجعیت از قدرت‌های سیاسی و اقتصادی بود. ایشان بر این باور بود که هرگونه وابستگی مالی یا اداری حوزه به حکومت‌ها، استقلال رأی فقیه را تهدید می‌کند و امکان ایفای نقش اصلاح‌گرانه مرجعیت را کاهش می‌دهد. از این‌رو، با سامان‌دهی دقیق وجوهات شرعی، تلاش کرد منابع مالی حوزه بر پایه اعتماد عمومی و مشارکت مؤمنان اداره شود.

این استقلال، تنها جنبه اقتصادی نداشت، بلکه استقلال در تصمیم‌گیری‌های علمی، انتخاب استادان، تعیین مسیر آموزش و حمایت از پژوهش‌های فقهی را نیز دربرمی‌گرفت.

ب) شایسته‌سالاری در تربیت مجتهدان

در نظام مدیریتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، معیار اصلی پیشرفت علمی، **شایستگی علمی و اخلاقی** بود. ایشان با پرهیز از ملاحظات غیرعلمی، از استادان برجسته حمایت می‌کرد و طلاب مستعد را برای دستیابی به مرتبه اجتهاد تشویق می‌نمود. این رویکرد موجب شد نسل قابل توجهی از فقها و اندیشمندان در مکتب علمی ایشان پرورش یابند.

شایسته‌سالاری در اندیشه ایشان تنها به انتخاب استاد محدود نبود، بلکه در واگذاری مسئولیت‌های علمی، نمایندگی‌های شرعی و مدیریت مدارس دینی نیز مورد توجه قرار داشت.

ج) توسعه شبکه مرجعیت و وکالت

یکی از ابتکارات مدیریتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، گسترش شبکه منسجم وکلا و نمایندگان شرعی در مناطق مختلف جهان اسلام بود. این شبکه افزون بر جمع‌آوری وجوهات شرعی، وظیفه پاسخ‌گویی به مسائل دینی، انتقال نیازهای جوامع شیعی و تقویت ارتباط میان مرجعیت و مردم را بر عهده داشت.

از منظر مدیریت سازمانی، این شبکه را می‌توان نمونه‌ای از **مدیریت شبکه‌ای** دانست که ضمن حفظ تمرکز راهبردی، امکان پاسخ‌گویی به نیازهای محلی را نیز فراهم می‌ساخت.

د) پیوند میان حوزه و جامعه

در اندیشه ایشان، حوزه علمیه نهادی منزوی نبود، بلکه باید با نیازهای واقعی جامعه اسلامی ارتباط مستمر داشته باشد. بر همین اساس، مرجعیت وظیفه داشت علاوه بر تربیت فقها، در حل مسائل اجتماعی، حمایت از محرومان، دفاع از حقوق مسلمانان و تقویت وحدت اسلامی نیز نقش‌آفرین باشد. لازم به ذکر است که این نگرش، مرجعیت را از یک نهاد آموزشی صرف به نهادی با کارکردهای علمی، اجتماعی و تمدنی ارتقا می‌دهد.

4.3. شیوه‌های مدیریتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در اداره حوزه‌های علمیه

بررسی سیره عملی ایشان نشان می‌دهد که مدیریت حوزه‌های علمیه بر پایه مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ و هدفمند استوار بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) حمایت پایدار از مدارس علمیه

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی با اختصاص بخشی از وجوهات شرعی به توسعه مدارس، تأمین هزینه‌های آموزشی و حمایت از استادان، زمینه استمرار فعالیت علمی حوزه‌ها را فراهم ساخت.

ب) حمایت معیشتی از طلاب

ایشان معتقد بود که آرامش اقتصادی طلاب، زمینه تمرکز بر تحصیل و پژوهش را فراهم می‌کند. از این رو، سامان‌دهی شهریه‌ها و رسیدگی به وضعیت معیشتی طلاب را از ارکان مدیریت حوزه می‌دانست.

ج) تقویت نظام اجتهاد

در اندیشه ایشان، هدف نهایی آموزش حوزوی، تربیت مجتهدانی توانمند برای پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید بود. بنابراین، حمایت از درس‌های خارج، مباحثه علمی و پژوهش‌های عمیق فقهی جایگاه ویژه‌ای داشت.

د) اعتماد به نخبگان علمی

یکی از ویژگی‌های برجسته مدیریت ایشان، اعتماد به استادان و عالمان برجسته و واگذاری مسئولیت‌ها بر اساس صلاحیت علمی بود. این رویکرد موجب افزایش پویایی علمی حوزه و پرورش نسل جدیدی از فقه‌های برجسته شد.

5.3. نقش آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در احیای حوزه علمیه اصفهان

حوزه علمیه اصفهان از قرن دهم هجری قمری تاکنون یکی از مهم‌ترین مراکز علمی جهان تشیع بوده است. این حوزه در دوره صفویه به اوج شکوفایی رسید و با حضور فقها و حکمای بزرگی، جایگاه ممتازی در تولید علوم اسلامی یافت. با این حال، تحولات سیاسی و اجتماعی اواخر دوره قاجار و آغاز حکومت پهلوی، همراه با تمرکز روزافزون فعالیت‌های علمی در نجف، موجب کاهش نسبی رونق علمی حوزه اصفهان شد.

در چنین شرایطی، مرجعیت عامه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، که خود از خاندان علمی اصفهان برخاسته بود، نقش مهمی در بازسازی سرمایه علمی این حوزه ایفا کرد. این نقش تنها به حمایت مالی محدود نبود، بلکه با هدایت علمی، تقویت ارتباط میان نجف و اصفهان، حمایت از استادان و طلاب، تأیید و معرفی عالمان برجسته و سامان‌دهی شبکه وکالت، زمینه احیای تدریجی حوزه اصفهان را فراهم ساخت.

از منظر تحلیل نهادی، می‌توان گفت که آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، با انتقال «سرمایه علمی مرجعیت نجف» به حوزه اصفهان، موجب تقویت مشروعیت علمی و افزایش اعتماد عمومی به این مرکز شد. این امر، زمینه را برای استمرار سنت اجتهاد و تربیت نسل جدیدی از عالمان در اصفهان فراهم ساخت.

6.3. تحلیل تمدنی الگوی مدیریتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی

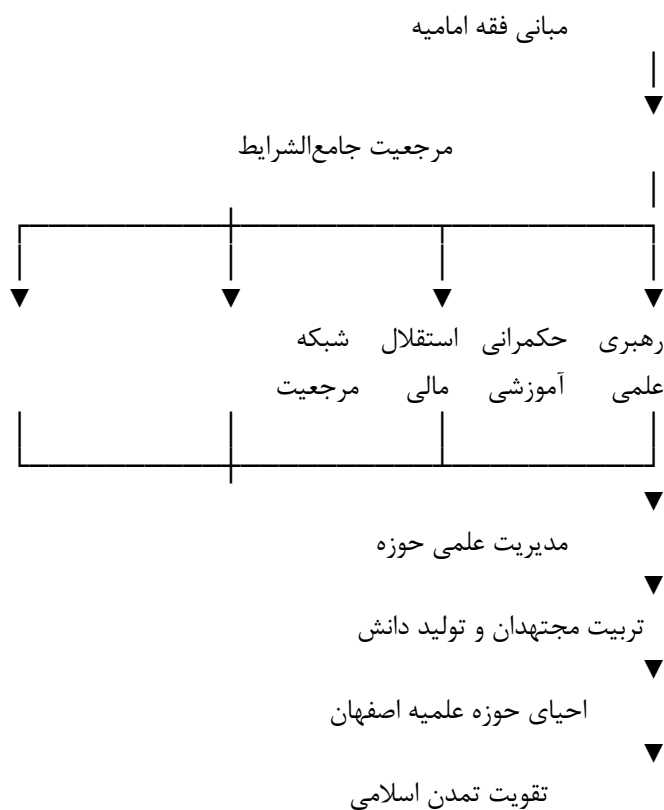
یکی از نوآوری‌های این پژوهش، تحلیل اقدامات آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در چارچوب «تمدن‌سازی اسلامی» است. برخلاف رویکردهای رایج که مدیریت مرجعیت را صرفاً در حوزه اداره مدارس دینی محدود می‌کنند، این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی مدیریتی ایشان دارای ابعاد تمدنی است.

در این الگو، مرجعیت دینی نه تنها مرجع استنباط احکام، بلکه محور سازمان‌دهی شبکه تولید و انتقال دانش دینی، حفظ هویت مذهبی، ایجاد همبستگی اجتماعی و تربیت نخبگان علمی است. چنین نگاهی، مرجعیت را به نهادی راهبردی در فرآیند تداوم تمدن اسلامی تبدیل می‌کند.

بررسی عملکرد آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نشان می‌دهد که سیاست‌های ایشان در زمینه استقلال مالی حوزه، توسعه آموزش اجتهادی، حمایت از پژوهش، گسترش شبکه وکالت و ارتباط مستمر با مراکز علمی، همگی در جهت تقویت زیرساخت‌های تمدنی تشیع بوده است.

4. مدل مفهومی پژوهش

الگوی مدیریت فقهی حوزه‌های علمیه در اندیشه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی



5. جدول تطبیقی

شاخص	پیش از مرجعیت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی	در دوره مرجعیت آقا
ارتباط با نجف	محدود و موردی	منظم و مستمر
حمایت از مدارس	پراکنده	هدفمند و سازمان‌یافته
حمایت از طلاب	محدود	نظام‌مند
شبکه علمی	محلی	فرامنطقه‌ای
جایگاه علمی حوزه	رو به کاهش	تقویت و احیا

نقش اجتماعی مرجعیت	محدودتر	گسترده و اثرگذار
--------------------	---------	------------------

۶. بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه فقهی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، ظرفیت بالایی برای ارائه یک الگوی منسجم از مدیریت علمی حوزه‌های علمیه دارد. برخلاف برخی برداشتها که مرجعیت را صرفاً نهادی برای بیان احکام شرعی می‌دانند، بررسی آثار و سیره عملی ایشان بیانگر آن است که مرجعیت، نهادی چندبعدی با کارکردهای آموزشی، مدیریتی، اجتماعی و تمدنی است.

همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که احیای حوزه علمیه اصفهان را نمی‌توان تنها نتیجه عوامل محلی دانست؛ بلکه باید آن را در چارچوب سیاست‌های کلان مرجعیت و شبکه ارتباطی میان حوزه نجف و مراکز علمی ایران تحلیل کرد. از این منظر، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی با بهره‌گیری از اصول فقه امامیه، توانست الگویی از مدیریت علمی مبتنی بر استقلال، شایسته‌سالاری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توسعه نهادهای آموزشی ارائه کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نظام مرجعیت و مدیریت علمی حوزه‌های شیعه در اندیشه فقهی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و بررسی تأثیر آن بر احیای حوزه علمیه اصفهان انجام شد. نتایج نشان داد که مرجعیت در اندیشه ایشان، صرفاً مرجعیت فقهی نیست، بلکه نظامی جامع برای هدایت علمی، سازمان‌دهی آموزش دینی، حمایت از پژوهش، تربیت مجتهدان و مدیریت نهادهای علمی است.

این پژوهش همچنین نشان داد که اقدامات مدیریتی ایشان در تقویت حوزه علمیه اصفهان، بخشی از یک راهبرد کلان برای حفظ و توسعه نهاد مرجعیت شیعه بوده است. بر این اساس، الگوی مدیریتی ایشان را می‌توان نمونه‌ای موفق از حکمرانی علمی مبتنی بر مبانی فقه امامیه دانست که ظرفیت بهره‌گیری در مطالعات معاصر مدیریت نهادهای دینی را نیز دارد.

منابع

۱. اصفهانی، سید ابوالحسن. (بی تا). *وسیلة النجاة*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۲. امین، سید محسن. (۱۴۰۳ق). *أعیان الشیعة* (چاپ پنجم). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۳. حائری، عبدالهادی. (۱۳۸۰). *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*. تهران: امیرکبیر.
۴. حرزالدین، محمد. (۱۳۸۵). *معارف الرجال فی تراجم العلماء والأدباء*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۵. دوانی، علی. (۱۳۸۰). *مفاخر اسلام* (ج ۹). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. رازی، محمدشریف. (۱۳۷۹). *گنجینه دانشمندان* (ج ۱). تهران: اسلامیه.
۷. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۶). *کلیات فی علم الرجال*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۸. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. مدرسی طباطبایی، سید حسین. (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ اجتهاد و مرجعیت در شیعه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۰. موسوی اصفهانی، سید مهدی. (۱۳۷۸). *زندگانی و شخصیت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی*. اصفهان: کتابخانه عمومی اصفهان.
۱۱. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
12. Foss, N. J. (2007). *The emerging knowledge governance approach: Challenges and characteristics*. Organization, 14(1), 29–52.
13. Mintzberg, H. (1979). *The structuring of organizations*. Prentice Hall.
14. Nonaka, I., & Takeuchi, H. (1995). *The knowledge-creating company*. Oxford University Press.
15. North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press.
16. Scott, W. R. (2014). *Institutions and organizations: Ideas, interests, and identities* (4th ed.). Sage Publications.

The system of authority and scientific management of Shiite seminaries in the jurisprudential thought of Grand Ayatollah Seyyed Abul-Hassan Isfahani and its impact on the revival of the Isfahan Seminary

Mohammad Reza Afroogh¹, Shaghayegh Afroogh²

1 PhD in Theology – Religions and Mysticism. Farhangian University of Isfahan (Corresponding Author)

2 Faculty of Law and Theology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Master of Law)

Abstract

The developments in Shiite seminaries in the 14th century AH have been influenced more than any other factor by the role of the great authorities of Taqlid in organizing the scientific, educational, and managerial structures of this religious institution. In the meantime, Grand Ayatollah Seyyed Abul Hasan Isfahani, as one of the most prominent authorities of Taqlid in the contemporary era, in addition to his distinguished jurisprudential position, played a decisive role in organizing the system of authority, developing ijihad education, supporting scientific centers, and revitalizing seminaries, especially the Isfahan Seminary. Despite numerous studies on his scientific and jurisprudential personality, the model of scientific management of Shiite seminaries in his jurisprudential thought has not been independently and systematically examined. The present study, using a descriptive-analytical method and using library resources, seeks to explain the jurisprudential foundations of the system of authority and scientific management in the thought of Ayatollah Seyyed Abul Hasan Isfahani and analyze its impact on the revival of the Isfahan Seminary. The research findings show that he has presented a coherent model of religious and scientific management by relying on principles such as the independence of the authority, strengthening the ijihad system, sustainable support for educational institutions, organizing the affairs of students, expanding the network of advocacy, and monitoring scientific centers. In addition to establishing the Shiite authority in the Islamic world, this model has also provided the basis for the reconstruction and dynamism of the Isfahan Seminary and can be considered as one of the successful models of managing religious scientific institutions in the contemporary era.

Keywords: Ayatollah Seyyed Abul Hasan Isfahani, Shiite authority, scientific management, Isfahan Seminary, Imamiyyah jurisprudence, religious institution.
